



درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۳۱ شهریور ۱۳۹۹

مصادف با: ۳ صفر ۱۴۴۲

جلسه: ۸

موضوع کلی: فصل فی أحكام الجبائر

موضوع جزئی: عدم وجوب اعاده نماز در فرض مرتفع شدن عذر صاحب جبیره

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسأله ۶۲۵: «إذا ارتفع عذر صاحب الجبيرة لا يجب إعادة الصلاة التي صلاها مع وضوء الجبيرة وإن كان في الوقت بلا إشكال، بل الأقوى جواز الصلوات الآتية بهذا الوضوء في الموارد التي علم كونه مكلفاً بالجبيرة و أمّا في الموارد المشكوكة التي جمع فيها بين الجبيرة و التيمّم فلا بدّ من الوضوء للأعمال الآتية لعدم معلوميّة صحّة وضوئه و إذا ارتفع العذر في أثناء الوضوء وجب الاستئناف أو العود إلى غسل البشارة التي مسح على جبيرتها إن لم تفت الموالاة»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر عذر صاحب جبیره برطرف شد، بدون اشکال، واجب نیست که نمازهایی را که شخص با وضوی جبیره‌ای خوانده است، اعاده کند، هرچند که هنوز وقت باقی باشد، بلکه اقوی این است که در مواردی که علم دارد که مکلف به وضوی جبیره‌ای است، جایز است که نمازهای بعدی را نیز با همین وضوی جبیره‌ای بخواند و اما در مواردی که شخص شک دارد که به وضوی جبیره‌ای مکلف است یا به وضوی جبیره‌ای مکلف نیست و بین وضوی جبیره‌ای و تیمّم جمع کرده است، حتماً باید برای اعمال بعدی وضو بگیرد چون صحت وضوئی که گرفته است، معلوم نیست [زیرا محتمل است که وظیفه واقعی او تیمّم باشد، ولی او وضوی جبیره‌ای گرفته است چرا که تیمّم در فرضی است که عذر باشد، ولی اگر عذر برطرف شد، وجهی برای بقاء طهارت حاصل شده از طریق تیمّم نیست لذا تیمّم برای اعمال بعدی کفایت نمی‌کند] و اگر در اثناء وضو، عذر شخص برطرف شود واجب است که وضویش را دوباره شروع کند یا در صورتی که مولات به هم نمی‌خورد، بشره‌ای را که بر جبیره روی آن مسح کرده است، بشوید [، یعنی جبیره را از روی آن بردارد و روی آن را بشوید].

مسأله مذکور، چند فرض دارد:

فرض اول، اینکه اگر عذر صاحب جبیره برطرف شد، واجب نیست که نمازهایی را که شخص با وضوی جبیره‌ای خوانده است، اعاده کند، هرچند که هنوز وقت باقی باشد.

دلیل حکم مذکور، این است که امر شارع به وضوی جبیره‌ای حاکی از صحت این وضو و صحت نمازی است که با آن خوانده شده است، بنابراین، اعاده نمازهایی که شخص با وضوی جبیره‌ای خوانده است، واجب نیست.

عده‌ای گفته‌اند که حکم به عدم وجوب اعاده نماز که در کلام مرحوم سید (ره) آمده است، در صورتی است که موضوع عمل اضطراری [، یعنی نماز خواندن با وضوی جبیره‌ای]، مطلق اضطرار و صرف اضطرار باشد که در این صورت، اگر هنوز وقت باشد و عذر برطرف شود، لازم نیست که شخص بعد از برطرف شدن اضطرار، نمازی را که با وضوی جبیره‌ای خوانده است، اعاده کند،

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۶۹.

اما اگر موضوع عمل اضطراری، اضطرار مستوعب باشد، یعنی عمل اضطراری در صورتی مجزی است که اضطرار، تمام وقت را فرا گرفته باشد و لذا اگر هنوز وقت باقی باشد و اضطرار برطرف شود، آن نمازی که شخص با وضوی جبیره‌ای خوانده است، مجزی نیست و شخص باید آن نماز را اعاده کند و با وضوی تام و کامل بخواند. پس اگر موضوع عمل اضطراری، صرف اضطرار باشد، کلام مرحوم سید (ره) صحیح است و شخص می‌تواند به صرف وجود عذر و اضطرار، نمازش را با وضوی جبیره‌ای بخواند، هرچند که وقت وسعت داشته باشد و بعد از برطرف شدن عذر نیز لازم نیست که نمازی را که خوانده است اعاده کند، ولی اگر موضوع عمل اضطراری، اضطرار مستوعب باشد که همه وقت را فرا گرفته باشد، در این صورت کلام مرحوم سید (ره) [، مبنی بر اینکه با وجود وسعت وقت، لازم نیست که شخص نمازی را که با وضوی جبیره‌ای خوانده است، اعاده کند]، صحیح نیست زیرا در این صورت، اضطرار، مستوعب نیست و لذا شخص باید بعد از برطرف شدن عذر، وضوی کامل بگیرد و نمازی را که با وضوی جبیره‌ای خوانده است، اعاده کند.

در رابطه با خواندن نماز با وضوی جبیره‌ای در وسعت وقت، بحث بدار نیز مطرح است، یعنی به محض اینکه شخص اضطرار پیدا کند، وضوی جبیره‌ای بگیرد و نمازش را بخواند و نمازش را تا زمان یأس از رفع عذر به تأخیر نیندازد. در اصول این بحث مطرح است که آیا بدار جایز است یا جایز نیست؟ کسانی که بدار را جایز می‌دانند، معتقدند که به محض تحقق عذر، انجام عمل جایز است و نیازی به تأخیر انجام عمل تا زمان یأس از رفع عذر نیست و بعد از برطرف شدن عذر نیز اعاده عمل لازم نیست، ولی کسانی که بدار را جایز نمی‌دانند، معتقدند که به محقق تحقق عذر، انجام عمل جایز نیست، بلکه شخص باید عمل را تا زمان یأس از رفع عذر به تأخیر اندازد و سپس آن را انجام بدهد.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که اگر کسی معتقد بود که عذر او تا آخر وقت باقی است یا اینکه با استصحاب بقاء عذر، بنا را بر بقاء عذر گذاشت یا اینکه معتقد به جواز بدار باشد و وضوی جبیره‌ای گرفت و نماز خواند، ولی پس از آن عذر او برطرف شود و هنوز وقت باقی باشد، در این صورت واجب است که شخص نمازی را که با وضوی جبیره‌ای خوانده است، اعاده کند و دوباره با وضوی کامل نماز بخواند و دلیل آن، این است که وضوی جبیره‌ای بر خلاف قاعده است چون اصل این است که انسان نمازش را با وضوی کامل بخواند و قاعده اقتضا می‌کند که اگر انسان عاجز از انجام وضوی کامل باشد باید با تیمم نماز بخواند و حق ندارد که با وضوی جبیره‌ای نماز بخواند، لکن ادله بر خلاف قاعده اقامه شده‌اند و گفته‌اند که در مواردی که جبیره در مواضع وضو باشند، شخص باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و نماز بخواند، پس خروج از مقتضای قاعده (تیمم)، فقط به حسب متیقن است و فقط به مورد نص می‌توان اکتفا کرد و معلوم نیست که مورد نص شامل آن موردی که عذر شخص برطرف شود، ولی هنوز وقت باقی باشد نیز بشود لذا اکتفا به نمازی که با وضوی جبیره‌ای خوانده شده است، ولی هنوز وقت باقی است بر خلاف قاعده است، بنابراین، شخص باید نماز خود را اعاده کند و دوباره با وضوی کامل نماز بخواند و امر شارع به وضوی جبیره‌ای در فرضی است که عذر باقی باشد لذا وقتی عذر برطرف شد و هنوز وقت باقی باشد، شخص باید نمازی را که خوانده است اعاده کند. کلام مرحوم آیت الله خویی (ره) نیز در حقیقت به همان مطلبی اشاره دارد که عرض شد که اگر منظور از عذر، عذر مستوعب باشد، شخص باید در وسعت وقت، نمازی را که با وضوی جبیره‌ای خوانده است، اعاده کند.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که شاید علت اینکه مرحوم سید (ره) در فرض مذکور (فرض اول)، به عدم وجوب اعاده نماز حکم کرده است، اجماع باشد، لکن عرض می‌شود که این اجماع، منقول است و اجماع منقول حجت نیست و اثری بر آن مترتب نمی‌شود و نهایتاً می‌توان گفت که چون اجماع قائم شده است [، هرچند که اجماع منقول است]، از باب احتیاط استحبابی به اعاده نماز در وقت حکم می‌شود و به وجوب اعاده در وقت حکم نمی‌شود.

فرض دوم، این است که در مواردی که شخص علم دارد که مکلف به وضوی جبیره‌ای است، جایز است که نمازهای بعدی را نیز با همین وضوی جبیره‌ای بخواند و اما در مواردی که شخص شک دارد که به وضوی جبیره‌ای مکلف است یا به وضوی جبیره‌ای مکلف نیست و بین وضوی جبیره‌ای و تیمم جمع کرده است، حتماً باید برای اعمال بعدی وضو بگیرد چون صحت وضویی که گرفته است، معلوم نیست [زیرا محتمل است که وظیفه واقعی او تیمم باشد، ولی او وضوی جبیره‌ای گرفته است چرا که تیمم در فرضی است که عذر باشد، ولی اگر عذر برطرف شد، وجهی برای بقاء طهارت حاصل شده از طریق تیمم نیست لذا تیمم برای اعمال بعدی کفایت نمی‌کند].

اشکالات وارد شده بر فرض دوم

اشکال اول، اینکه گفته‌اند که اگر عذر کسی که جبیره دارد قبل از اتیان نماز بعدی برطرف شود، نمی‌تواند با وضوی جبیره‌ای که از قبل داشته است، نماز بعدی را بخواند زیرا طهارتی که از طریق وضوی جبیره‌ای برای او حاصل شده است اضطراری است و این طهارت، وجوداً و عدماً و حدوثاً و بقائاً دائر مدار اضطرار است، یعنی مادامی که اضطرار باشد، طهارت هست، ولی اگر اضطرار برطرف شود، طهارت نیز از بین می‌رود و لذا شخص برای نماز بعدی باید وضو بگیرد. البته معنای این سخن این نیست که طهارت با زوال عذر، منتفی می‌شود، یعنی یکی از چیزهایی که وضو را باطل می‌کند، زوال عذر نیست، بلکه معنای آن، این است که زمان طهارت محدود است و بستگی به مدت اضطرار دارد، یعنی تا زمانی که اضطرار باقی باشد، طهارت نیز باقی است ولی به محض اینکه اضطرار برطرف شود طهارت نیز از بین خواهد رفت، مثل طهارت ترابیه (تیمم) که به محض اینکه عذر برطرف شود، این طهارت نیز از بین خواهد رفت و شخص باید برای نمازهای بعدی وضو بگیرد و طهارت مائیه داشته باشد و سپس نماز بخواند.

«الحمد لله رب العالمین»